

مسئولیت مدنی و کیفری ناشی از فعالیت‌های ورزشی

سیدمحمد حسینی*

الهام اسحاقی**

تاریخ وصول: ۹۳/۱۱/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۲۸

چکیده

در عصر حاضر، ورزش یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های سالم در میان جوانان و نوجوانان است و از جمله راه‌های تربیت در میان جوانان می‌باشد که می‌تواند بودجه عظیمی را به خود اختصاص دهد که البته این فعالیت‌ها در مواردی همراه با خطراتی برای ورزشکاران می‌باشد؛ زیرا در بازی‌ها و فعالیت‌های ورزشی، آسیب دیدن امری اجتناب‌ناپذیر و طبیعی است. اگر چه نظریاتی وجود دارد، مبنی بر اینکه ورزشکاران به پذیرش این آسیب‌ها رضایت داده‌اند و عقیده دارند که این امور بیشتر باعث تنبیه انضباطی برای آنان خواهد بود، اما در موارد شدیدتری حتی ممکن است به مرگ ورزشکار آسیب دیده بینجامد، صرفنظر از رضایت وی بر انجام بازی، حقوق در کنار توجه مسئولیت جبران خسارت وارده، برای ورزشکار صدمه زنده مسئولیت کیفری نیز قائل است. از این رو رشته‌ای به نام حقوق ورزشی شکل گرفته که به بایدها و نبایدهای این خطرات می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: آسیب، حقوق، مسئولیت، مسئولیت مدنی، ورزش، ورزشکار.

طرح مسأله

امروزه یکی از مهم‌ترین راه‌های تربیت در جوانان، بحث ورزش و اهتمام به امر تربیت بدنی است. موضوعی که هر ساله بودجه کلانی را برای توسعه به خود اختصاص می‌دهد. این امر نشان دهنده اهمیت پرداختن به موضوع تربیت بدنی، در میان افراد و جوامع انسانی است. بدون شک، محیط‌های مربوط به فعالیت‌های ورزشی از آسیب‌ها و حوادث غیر قابل پیش‌بینی مصون نمی‌باشد، با وجود این، تصور و باور بسیاری از ورزشکاران، این است که انجام حرکات و اقدامات خلاف مقررات در فعالیت‌های ورزشی صرفاً موجب تنبیه و اخطار انضباطی برای آن‌ها خواهد بود و این ناآگاهی و بی‌توجهی ورزشکاران باعث افزایش حوادث و آسیب‌ها در حین فعالیت‌های ورزشی می‌شود. از این رو، اندیشمندان حقوقی به فکر ایجاد رشته‌ای به نام حقوق ورزشی افتادند تا با تأکید بر قوانین ورزشی بتوانند از میزان آسیب‌ها و مسئولیت‌های کیفری ناشی از آن برای ورزشکاران در محیط‌های ورزشی بکاهند.

پیشینه حوادث ناشی از فعالیت‌های ورزشی در قوانین جزایی ایران

قبل از انقلاب مشروطیت در ایران، تاریخ مدونی راجع به ورزش ملاحظه نشده و منابعی در دست نیست، لکن فرمانروایان و سلاطین سپاه در دوران قبل از مشروطیت توجهی خاص به امر ورزش به ویژه سوارکاری، تیراندازی، شنا، زورآزمایی و کشتی داشته‌اند (چلبی، ۱۳۸۶: ۱۶).

از ابتدای قانون‌گذاری مدون در ایران که به سال ۱۳۰۴ باز می‌گردد، قانون مشخصی در باب حوادث ناشی از فعالیت‌های ورزشی وجود نداشته است. در سال ۱۳۵۲ مقتن در قانون مجازات عمومی در جهت رفع اختلاف نظرها در ماده ۴۲ چنین بیان کرد: «حوادث ناشی از عملیات ورزشی مشروط بر اینکه سبب آن حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد جرم محسوب نمی‌شود. در سال ۱۳۶۱ هم در ماده ۳۲ قانون راجع به مجازات اسلامی متن ماده ۴۲ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ را با اضافه کردن جمله «و این مقررات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد» تأیید کرد. در سال ۱۳۷۰ در قانون مجازات اسلامی، همان ماده ۳۲ مورد تأیید قرار گرفت با این تغییر که شماره این ماده از ۳۲ به ۵۹ تغییر یافت (گلدوزیان، ۱۳۸۷: ۸۸). در نهایت در سال ۱۳۹۲ قانون‌گذار در ماده ۱۵۸ چنین بیان کرد: «عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن مشروط

بر اینکه سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم با موازین شرع مغایر نباشند جرم نیست» (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲: ۴۶). در واقع، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با افزودن واژه عملیات ورزشی در ابتدای ماده تغییری هر چند کوچک نسبت به مواد پیشین خود در مورد حوادث ورزشی داشت که در حال حاضر در مورد این گونه حوادث همین ماده قابل اعمال است.

مفهوم شناسی

ورزش

ورزش اسم مصدر از ورزیدن و در لغت به معنی عمل، کار و پیاپی کاری را انجام دادن و اجرای مرتب تمرین‌های بدنی به منظور تکمیل قوای جسمی و روحی است (معین، «ورزش»). فعل امر آن ورز یا بورز، اسم فاعل آن ورزنده و اسم مفعول آن ورزیده می‌باشد (جاوید، ۱۳۷۵: ۵). عملیات ورزشی نیز به مجموعه‌ای از فعالیت‌های بدنی چه فردی و گروهی اطلاق می‌شود که هدف آن دستیابی به موفقیت بر اساس توقعات هر یک از رشته‌های ورزشی است (اردبیلی، ۱۳۸۸: ۱۹۴). بنا بر تعریفی دیگر، ورزش حرکتی است تابع اراده (ابن سینا: ۳۶۶). بیشتر مردم به اشتباه، بازی را ورزش می‌پندارند، بازی اساساً به مفهوم سرگرمی و تفریح است. به عبارت دقیق‌تر، بازی هر گونه فعالیت به قصد سرگرمی و مشغولیت است که انگیزه آن دست یافتن به فایده محصول یا نتیجه‌ای بخصوص نباشد (میرسلیم، ۱۳۷۵: ۴۷۸). پس می‌توان گفت که بازی مقوله وسیعی است که شامل رقص، نمایش و حتی بازی‌های آئینی می‌شود (میرسلیم، ۱۳۷۵: ۴۷۹).

حقوق

علما برای حقوق، تعاریف مختلفی ارائه نموده‌اند که به نظر می‌رسد، بهترین تعریف جامع و مانع از حقوق این است که: حقوق یک رشته مقررات و قوانین است که برای انتظام امور یک جامعه وضع شده و ضمانت اجرای کیفری داشته باشد (نیکوهمت، ۱۳۲۵: ۱۲). در تعریف دیگر، حقوق مجموعه مقرراتی است که بر روابط افراد یک جامعه سیاسی حاکم است. در این معنی از نظر اسلام واژه شرع و شریعت به کار می‌رود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۱۲).

جرم

جرم در لغت به معنای گناه، جناح و عصیان آمده است (فرهنگ لغات. «جرم») و در ادبیات نیز بیشتر در معنای اول، یعنی گناه مورد توجه قرار گرفته است (نوریها، ۱۳۸۸: ۱۳۳). در اصطلاح حقوقی، جرم مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت یا ارتکاب عملی که به تباهی فرد یا جامعه بینجامد است، هر جرم را کیفری است که شارع بدان تصریح کرده است و یا اختیار آن را به ولی امر یا قاضی سپرده است (گرجی، ۱۳۵۵: ۱۲۶). تعریفی دیگر، نیز جرم را عملی می‌داند که جامعه مجازاتش می‌کند (کی‌نیا، ۱۳۵۷: ۶). مناسب‌ترین تعریفی که می‌توان از آن یاد کرد تعریفی است که قانون مجازات اسلامی بدان اشاره کرده: جرم هر رفتاری است که قانون برای آن مجازات تعیین کرده است.

گفته شده، نخستین بار واژه «حقوق ورزش» در برنامه گروه آزمایشی تربیت بدنی و ورزش دانشگاه آریستولیان تسالونیکه یونان در سال ۱۹۸۴ استفاده شد و از سال تحصیلی ۱۹۸۵-۱۹۸۴ در دانشگاه آتن تدریس شد و این موضوع تا به امروز نیز ادامه دارد و جایگاه خود را همچنان حفظ کرده است. از همین رو، دانشکده حقوق دانشگاه آتن، تدریس حقوق ورزشی را به عنوان یک درس اختیاری از سال ۱۹۹۸ ادامه داده است و مرکز آموزش حقوق ورزش این دانشگاه همراه با نمایندگان یونانی و دیگر کشورها نخستین کنگره بین‌المللی حقوق ورزشی را برگزار کرد و در این کنگره، جامعه بین‌الملل حقوق ورزشی بنا گذارده شد (شکری، ۱۳۸۷: ۷).

اهتمام شریعت اسلام به ورزش

ورزش از جمله اموری است که همواره با زندگی بشر مانوس بوده، ولی انگیزه‌های انسان‌ها برای روی آوردن به آن متفاوت بوده است، تا جایی که یکی از نیازهای اساسی جامعه اسلامی امروزه پرداختن به ورزش و تربیت بدنی است و در سطح جهانی هم جایگاه ویژه‌ای دارد. توجه به امر ورزش و تربیت بدنی هم در میان علمای متقدم و هم علمای متأخر وجود داشته، ابن سینا (۳۷۰-۴۲۸ هجری قمری) تربیت بدنی را به عنوان یک عنصر اصلی در سلامت فکری و جسمی معرفی نموده و به بحث پیرامون آن پرداخته است. آنچه که امروز در دنیای غرب تحت عنوان تربیت بدنی و ورزش و اثرات مفید آن بر روی بدن مورد توجه است شالوده‌اش از اوست، او در کتاب گرانهایش «قانون در طب» فصلی را به پرورش بدن و ورزش و اثرات آن اختصاص داده است و نظراتی را ارائه نموده که قسمت اعظم آن در باب تربیت بدنی و ورزش امروز مورد قبول می‌باشد (قنبری

نیاسی، ۱۳۶۷: ۵۳). رهبر انقلاب در یکی از بیانات خود چنین می‌فرماید: «من متأسفم از اینکه ورزشکار نیستم، ولی یک ورزش دوست هستم» که نشان از اهمیت ورزش و پرداختن جوانان به آن دارد. یا در جای دیگر می‌فرماید: «امر به ورزش، امر به معروف است» یعنی ورزش را معادل معروف قرار داده است و در توصیه به دانشجویان در کنار تحصیل علم، پرداختن به ورزش را ضروری دانسته است. همچنین امام خمینی به عنوان یک عالم محقق با بیان جمله «من ورزشکار نیستم، ولی ورزشکاران را دوست دارم» حمایت خود را از ورزش اعلام فرمودند، ایشان همچنین با اینکه افراد فقط به ورزش جسمانی بپردازند و به یک بعد جسمی بپردازند موافق نیست بلکه مخالف است ایشان می‌فرمایند: «آن‌هایی که اهل خدا هستند توجه به خدا دارند و ورزش جسمی می‌کنند و ورزش روحی. آن‌ها در تمام مدت اشخاصی هستند که پزیردگی در آن‌ها نیست، افسردگی در آن‌ها نیست و این یک نعمتی است که خدای تبارک و تعالی نصیب همه کند انشاءالله» (خمینی، ۱۳۵۹: ۷۴). اسلام در مورد صیانت از سلامت جسم، راهنمایی‌هایی دارد که نتایج ارزنده‌ای به همراه دارد از جمله به آموزه‌های اخلاقی و نقش آن در سلامت بدن توجه می‌کند، برای نمونه در روایتی این تأثیر این گونه بیان شده است: «غفلت حاسدان از سلامت جسم مایه شگفتی است» (مبانی تربیت بدنی در اسلام: ۶۵).

اهمیت و گسترش روز افزون ورزش در میان افراد جوامع، توجه بیشتر حقوق به پدیده‌های ورزشی را می‌طلبد. علاوه بر آن، فقه نیز باید پا به پای حقوق به بحث و بررسی پیرامون مسائل روز، خطاها و مسئولیت‌های ورزشی بپردازد. فقه ورزشی از مباحث مهمی است که متأسفانه به دلایل متعددی کمتر به آن توجه شده است و فقیهان در این مورد به همان مباحث سبق و رمایه که در کتب پیشین فقهی بیان شده بسنده نموده‌اند و مباحث جدید حقوق جزا را در آراء و فتاوی خود داخل نکرده‌اند.

در منابع فقهی امامیه، احکام مربوط به ورزش بیشتر در قالب عنوان بازی (لعب) و مسابقه (سبق) آمده، لعب در لغت به معنی بازی کردن (ابن منظور، ۱۹۹۷: ۷۳۹)، کار بیهوده (جبران مسعود، ۱۳۷۶: ۱۴۹۷)، و انجام عملی که هیچ فایده‌ای بر آن مترتب نیست (الزبیدی، ۱۴۱۴: ۴۳)، آمده است. در قرآن نیز لعب با رویکردی منفی بیان شده است و بیشتر در معنای سرگرم شدن به امر دنیا استعمال گردیده است.^۱ اما سبق به معنای مسابقه

۱. ر.ک: آیات ۱۶ و ۵۵ سوره انبیاء، آیه ۳۸ سوره دخان، آیه ۳۲ سوره انعام، آیه ۵۶ سوره عنکبوت، آیه ۳۶ سوره محمد، آیه ۲۰ سوره حدید، آیه ۶۵ سوره توبه.

(ابراهیم مصطفی، ۱۹۸۹م: ۴۱۵) و پیشی گرفتن بر یکدیگر است (ابن منظور، همان: ۱۵۱). این رقابت در زمینه‌های مختلف از جمله علمی، فکری، ورزشی باشد. از این رو، واژه سبق در قرآن، احکام و احادیث و موارد متعددی دارد.^۱ مرحوم محقق حلی می‌فرماید: سبق و رمایه معامله‌ای صحیح است و فایده آن آماده شدن برای مبارزه با دشمن است (محقق الحلی، ۱۳۸۹: ۲۳۵).

فقیهان در مواجهه با احتمال ضرر و آسیب در بازی‌های ورزشی آراء متفاوتی دارند. برخی فقها به صراحت و قاطعیت اعلام کرده‌اند مشروعیت ورزش، منوط به فقدان هر گونه ضرر است به عنوان نمونه مرحوم آیت‌الله بهجت فرموده‌اند: «اگر ورزش خطر و ضرری نداشته باشد جایز است» (بهجت، ۱۳۸۶: ۵۶۸). فقیهان اهل سنت در بررسی حکم بازی‌ها و مسابقات ورزشی شرایط و ملاحظاتی را منظور کرده‌اند که در مواردی با دیدگاه فقیهان شیعه هماهنگ است.^۲ فقهای حنفی نیز مسابقه بی‌عوض را در صورتی روا می‌دانند که برای نتیجه‌ای پسندیده مانند تقویت بدن یا ذهن انجام نشود نه برای گذراندن وقت و تفریح (الکاسانی، ۱۴۱۷: ۳۰۵). مالکیه نیز مسابقات را تنها با شرط اینکه به قصد نیروگیری و آماده‌سازی برای جنگ و جهاد باشد پذیرفته‌اند (عرفه اللدسوتی: ۲۱۰).

جایگاه ورزش در قانون اساسی

قانون اساسی که بر اساس اصل دوم آن برگرفته از آموزه‌های اسلامی است، به امر ورزش اهتمام ورزیده است. در واقع، قانون اساسی هر کشور معتبرترین و اصلی‌ترین منبع حقوق اساسی است. از این رو، مهم‌ترین منبع شناخت هر نظام سیاسی از جمله نظام جمهوری اسلامی است، افزون بر این قانون اساسی بهترین و گویاترین سند شناسایی هر نظام سیاسی و در بردارنده هدف‌ها، آرمان‌ها، اصول و ارزش‌های حاکم بر آن است (نظرپور، ۱۳۸۹: ۱۵). بالاترین سطح قوانین مملکتی اختصاص به قانون اساسی دارد، به همین خاطر همین است که از واژه اصل به جای قانون در شمارش مواد آن بهره گرفته شده است.

قانون اساسی، در اصل سوم دولت را موظف کرده برای نیل به اهداف ذکر شده همه امکانات خود را برای امور زیر به کار گیرد که در بند ۳ همین اصل، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی بیان شده (قانون اساسی: ۲۹-۲۸). با دقت در مفاد این بند، نتایجی قابل

حصول است اول اینکه از تربیت بدنی و ورزش به صراحت یاد شده و این نشانه جایگاه بسیار مهم ورزش در میان اساسی‌ترین نهادهای کشور است. دوم اینکه ورزش در عرض آموزش و پرورش قرار داده شده و نه در بطن یا طول آن و این بدان معناست که ورزش از نظر اهمیت در نیل به اهداف نظام، نقشی مستقل و حیاتی داراست و بخشی از آموزش و پرورش نیست و سوم اینکه ورزش یک نهاد فرهنگی برای نیل به هدف تربیت انسان مورد نظر نظام است و نه یک نهاد مادی و مجموعه‌ای از حرکات بدنی و چهارم اینکه الزام به رایگان بودن آن برای همه در تمام سطوح تأکید دیگری بر آن است که این وسیله حیاتی باید به سهل‌ترین روش برای برومندی نسل به کار گرفته شود (آقایی‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۷-۱۵). نکته پایانی و حائز اهمیت در این بخش، بیان این مطلب است که قانون اساسی در اصل سی و یکم خود بر وظیفه دولت بر آموزش و پرورش رایگان که تربیت بدنی هم بخشی از آن می‌باشد تا سطح دوره متوسطه و آموزش عالی تصریح کرده که تأکید بر بند سوم اصل سوم قانون اساسی است که توجه مستقیم به امر تربیت بدنی شده است.

ماهیت و ویژگی خطای ورزشی

عدالت نه تنها اقتضا می‌کند که تقصیر و مسئولیت کیفری متوجه کسی باشد که با علم به نتیجه مجرمانه فعل خود را مرتکب می‌شود، بلکه اگر ترتب نتیجه مذکور را بر فعل یا ترک فعل محتمل دانست و از ارتکاب فعل خودداری نکرد و یا در مواردی غافل بود مقصر شناخته شود. اگر انسان در رفتار خود جانب احتیاط را نگاه ندارد و بر اثر آن نتیجه وخیمی به وقوع بپیوندد مقصر است. تقصیر و خطای کیفری عنصر روانی جرایمی است که در اصطلاح غیر عمدی نامیده می‌شوند (اردبیلی، ۱۳۸۸: ۲۴۵). در دعای مسئولیت مدنی و در باب ورزش‌ها؛ تقصیر، پایه اکثر دعاوی برای جبران خسارت است (جامپون، ۱۹۸۳: ۴۴) و خواهان معمولاً یا یکی از شرکت کنندگان است یا یکی از تماشاگران. به طور کلی، می‌توان تقصیر را چنین تعریف کرد: رفتاری پایین‌تر از سطح معیارهای رفتار یک انسان متعارف (وستارت، ۱۹۷۹ م: ۹۳۴).

در حقوق جزا، دو قسم خطا وجود دارد: بعضی اوقات خطا از عمل و فعل منتج می‌گردد. این قبیل خطا را بی‌احتیاطی می‌گویند و گاهی خطا، عبارت از اهمال و فراموشی و به عبارت بهتر، ترک فعل است، این قسم خطا را بی‌مبالاتی می‌گویند (علی‌آبادی: ۶۳). قانون‌گذار هنگام تصویب قانون، خطا را تعریف نکرده و تنها به ذکر مصادیقی از آن بسنده کرده، اما مقنن هنگام تنظیم قوانین

۱. ر.ک: آیات ۱۷ و ۲۵ سوره یوسف، آیه ۶۶ سوره یس.
۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: عبدالفتاح محمود ادریس؛ عقداالسباق. (۱۴۲۰). صفحه ۶ به بعد. چاپ اول. قاهره.

ورزشکاران

مقصود از ورزشکار، کسی است که در حال اجرای عملیات در یکی از رشته‌های ورزشی مجاز در چهارچوب مقررات است؛ واژه ورزشکار در اینجا به کسی اطلاق می‌شود که شخصاً به ورزش می‌پردازد (شکری، ۱۳۸۷: ۶۶). صدمه و جراحت‌هایی که در بازی‌های ورزشی رخ می‌دهد به دو صورت انجام می‌شود: گاهی صدمه و جراحت، ناشی از بی‌احتیاطی و یا عدم مهارت خود ورزشکار می‌باشد که این حالت اکثراً در مورد ورزش‌های انفرادی رخ می‌دهد و گاهی صدمه به غیر ورزشکاران صورت می‌گیرد که ممکن است با رعایت مقررات و یا بدون رعایت آن باشد (شکری، همان: ۶۷). در پاسخ به این سؤال که در صورت آسیب‌دیدگی تماشاگران، آیا ورزشکاران مسئولیتی دارند باید گفت: بازیکنان اگر در محل ویژه ورزش به بازی بپردازند و قوانین بازی را رعایت کنند هیچ مسئولیتی در برابر تماشاگران در معرض خطر ندارند؛ زیرا از آنان جز رفتار متعارف ورزشی نمی‌توان انتظار داشت (آقایی‌نیا، ۱۳۷۲: ۳۸) و این عدم مسئولیت، در صورتی است که هیچ سهل‌انگاری یا بی‌مبالاتی از سوی ورزشکار صورت نگرفته باشد (شکری، ۱۳۸۷: ۶۷). به طور معمول، نمی‌توان هیچ رابطه‌ای میان بازیکنان و تماشاگران یافت تا بتوان بازیکنان را مسئول خسارات وارده به تماشاگران دانست. در صورتی که به هر دلیلی محل استقرار تماشاگر مناسب نباشد و در اثر اصابت توپ بازی یا پرتاب شدن بازیکنان یا تصادم اتومبیل‌ها آسیب ببیند برگزارکننده مسابقه مسئول است. خطای خود تماشاگر نیز گاهی خطر ایجاد می‌کند و صدمه ایجاد شده منسوب به تقصیر خود اوست، مثل اینکه تماشاگری از روی هیجان به داخل زمین فوتبال می‌رود و در اثر برخورد شیئی به او صدمه می‌بیند که در این مثال، خود تماشاگر مقصر است (ساریخانی: ۱۹).

در مواردی که ورزشکار، به ورزشکار دیگری صدمه می‌زند، باید تفکیک قائل شد و گفت اگر احراز شود که فعل ورزشکار در آسیب رساندن به ورزشکار دیگر از روی عمد صورت گرفته باید وی را بر طبق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مسئول دانست. ماده ۱ قانون فوق بدین صورت مطرح شده است که: هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.

از آنجا که این ماده، مطلق است بنابراین می‌توان آن را به فعل ورزشکاران هم تسری داد و گفت اگر ورزشکاری به ورزشکار

کیفری از چهار نوع خطا تحت عنوان بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی نام برده است که از بین این چهار نوع خطا، عدم مهارت در مباحث مربوط به فعالیت‌های ورزشی کاربرد فراوانی دارد. عدم مهارت، آن است که کسی بدون داشتن توانایی بدنی و فکری و یا بدون انجام تحصیلات لازم به کاری اقدام کند که از آن کار صدمه و زبانی به دیگری وارد آید. بنابراین، هر گاه کسی بدون مهارت در تیراندازی موجب گردد که تیری به جای برخورد به هدف، به دیگری اصابت کند به علت عدم مهارت مسئول است (محسنی، ۱۳۷۵: ۲۵۷).

خطاهای ورزشی را باید تحت عنوان قوانین ویژه مورد بررسی قرار داد، چرا که فعالیت‌های ورزشی می‌توانند، علاوه بر ایجاد سلامت در افراد، خطرهایی، مانند: نقص عضو، ضرب و جرح و حتی خطرات شدیدی چون مرگ در پی داشته باشند. خطای ورزشی را عرف و عادت مشخص می‌کند، منتها این عرف به وسیله فدراسیون‌های بین‌المللی تدوین و در مجموعه‌هایی مانند قوانین، ضبط و گاه تعدیل و تصحیح می‌شوند، بدین ترتیب عرف و عادات خاص، قواعد بازی‌ها و مسابقه‌های ورزشی را معین می‌کند. بر اساس این مجموعه قواعد و مقررات خطا و مسئولیت تشخیص داده می‌شود (قزوینی، ۱۳۹۰: ۱۱۰). تعیین رابطه علیت بین خطا و زیان یک مسأله موضوعی است که باید به خردمندی و حسن قریحه قضات محول گردد (علی‌آبادی: ۶۵).

برای تشخیص خطا، قاضی به جای بررسی حالات روانی و تعیین میزان دوراندیشی فاعل به فعل او توجه می‌کند و برای سنجش آن، ملاک عرفی را به کار می‌گیرد، اگر وقوع نتیجه مجرمانه محتمل باشد خطا محقق است و گرنه خطا محرز نیست (اردبیلی، ۱۳۸۸: ۲۴۷). در ابتدا باید بپذیریم که تجاوز به قواعد بازی و رعایت نکردن احتیاط‌های لازم از نظر حقوقی تقصیر است؛ زیرا ورزشکار معقول و متعارف چنین رفتاری ندارد، به همین جهت گفته شده تقصیر ورزشی را باید تجاوز از قواعد ویژه آن بازی تعبیر کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۴۱۰).

اشخاص مسئول در بروز حوادث ورزشی

درست است که در صورت بروز حادثه در محیط‌های مرتبط با فعالیت‌های ورزشی همواره اشخاصی مسئول جبران خسارت می‌باشند، اما تشخیص اینکه شخص مسئول چه کسی است از اهمیت برخوردار است، به طور کلی عمده‌ترین اشخاصی که احتمال دارد مسئول جبران خسارت باشند در سه دسته طبقه‌بندی می‌شوند که عبارتند از:

دیگر صدمه وارد کند، مسئول آن صدمات شناخته خواهد شد.

داوران

برای تحقق هر تقصیر و در نتیجه مسئول دانستن عامل آن، چهار عامل باید فراهم شود: وظیفه، نقض وظیفه، سببیت و خسارت. هر چند به طور معمول، مسئولیت داوران ناشی از مباشرت آن‌ها نیست، ولی بسیاری از آن‌ها خود را با عنوان خوانده شکایات از صدمات ناشی از تقصیر، مواجه می‌بینند. در زمینه عملکرد نامطلوب داور، می‌توان به مصادیق قضاوت‌های بد، اجازه انجام مسابقه در زمین بازی با شرایط نامساعد، اجازه ادامه بازی علی‌رغم شرایط جوی خطرناک و بالاخره عدم بازدید از کیفیت تجهیزات مورد استفاده بازیکنان اشاره کرد. البته بعضی، داور را مبری از مسئولیت دانسته‌اند. این مصونیت، داوران را از مسئولیت ناشی از عملکرد آن‌ها در موضوع مراقبت متعارف نیز به طور جزئی مبرا می‌کند (ترزین: ۱۹۸۷). با وجود همه این‌ها، اگر دعوی و قوانین مبهم باشد، موفقیت‌آمیزترین روش در اقامه دعوا علیه داوران، ادعای انحراف از انجام وظیفه نظارت بدون تقصیر است، وظیفه هر داور نظارت شایسته بر مسابقات ورزشی است. در واقع، دولت به اجرای مقررات ایمنی ملزم است و در صورت نادیده گرفتن این تکلیف و یا عدم اجرای آن به نحو مطلوب، داور به دلیل مقصر بودن مسئولیت خواهد داشت (جامیون، ۱۳۷۶: ۹۹). در مجموع، در خصوص مسئولیت داوران باید توجه داشت که هر چند داوران معمولاً به عنوان خوانده صدمات ناشی از دعوی ورزشی هستند، اما حکم تقصیر آن‌ها به ندرت صادر می‌شود و تاکنون هیچ دادگاهی داوران را در مورد اشتباه همراه با حسن نیت در قضاوت و یا اجرای نادرست مقررات بازی‌ها مسئول شناخته است (همان: ۱۰۵). البته باید گفت که در کشور ما در مواردی کمیته انضباطی، داوران را مقصر شناخته و محکوم کرده است.

مربیان و مدیران

فعالیت‌های ورزشی برای همه ورزشکاران اعم از مبتدی، حرفه‌ای، ماهر و آماتور، بالقوه متضمن خطرات بسیاری است. یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند مانع از قوه به فعل در آمدن بسیاری از این خطرها شود حضور و نظارت معلم ورزشی یا مربی در صحنه فعالیت‌های ورزشی است. به عبارت دیگر، آنچه موجبات مسئولیت قانونی مربیان را فراهم می‌آورد نتایج ناهنجار فعالیت‌های ورزشی نیست، بلکه عمد یا قصور آن‌ها در انجام وظایف مربوطه است (آقایی‌نیا، ۱۳۸۱: ۶۱). البته مدیران دو گروه هستند: یک عده مدیران فنی مثل مربیان، سر مربیان و

معلمین ورزش که این‌ها مستقیم بر فعالیت‌های ورزشکار نظارت دارند. این افراد، موظفند قبل از شروع ورزش از سلامتی کامل ورزشکار اطلاع حاصل کنند و تناسب بین میزان فعالیت و توانایی ورزشکار را تنظیم کنند، در فعالیت‌های ورزشی حضور مستمر داشته باشند، کمک‌های اولیه را بدانند. دسته دوم مدیران، آن‌هایی هستند که با ورزشکار مواجه نیستند، بلکه مدیریت سخت‌افزاری ورزش را بر عهده دارند، مثل مدیر ورزشگاه، او مربی نیست، ولی ملزم است به ایمنی تمامی اماکن ورزشگاه و تجهیزات آن توجه کند (گفتگو با آقای نی: ۲۶-۲۵). به طور کلی، باید گفت: مربیان و سرپرستان ورزش، برای مراقبت از ورزشکاران خود مکلف می‌باشند و در صورت استنکاف آنان از انجام این وظیفه، چنانچه موجب حادثه شوند پاسخگو خواهند بود، همچنین مربی تکواندو که بر انجام تمرینات دو نفر و ورزشکار نظارت دارد اگر از اجرای فنون خطا از سوی یکی از ورزشکاران جلوگیری ننموده و اعلام خطای فنی ننماید در صورت ورود خسارت ضامن است (شکری، ۱۳۸۷: ۳۸).

مربیان ورزشی و مدیران ورزشی چه در دوره‌های ملی و یا پایین‌ترین باشگاه یا واحد ورزشی حضورشان در فعالیت‌های ورزشی و مراقبت از ورزشکاران امری اجتناب‌ناپذیر است، حضور باید توأم با نظارت و دقت دائمی باشد (چلبی، ۱۳۸۶: ۴۲). در فقه آمده است مربی شنا ضامن جنایت وارده بر شاگرد غیر بالغ است و میان تفریط کردن یا نکردن مربی تفاوتی وجود ندارد، بر خلاف شخص بالغ و رشید؛ زیرا مربی شنا ضامن شخص بالغ نیست، اگر چه تفریط نموده باشد؛ زیرا اختیار بالغ به دست خودش است (امینی، ۱۳۸۹: ۲۶۳). البته در مواردی که غرق نوآموز به فعل یا تفریط مربی منسوب است، فرض این است که مربی توان پیشگیری از وقوع حادثه را دارد و اگر اتفاقی رخ دهد ناشی از تفریط اوست، در چنین موردی تعهد حفاظت به نتیجه متوجه است (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۴۱۸).

وظیفه مراقبت که بر عهده مربی قرار دارد باید با سازماندهی همراه باشد. بدین معنی که با مدیریت خاصی بتواند ورزشکاران را از لحاظ سنی، نوع مهارت و فعالیت آنان به گونه‌ای که از وقوع حادثه جلوگیری نماید تفکیک کند و با بی‌احتیاطی خود و ضعف تشخیصی که داشته حرکت ورزشی نامتناسب با ورزشکار را به او محول نکند و موجب صدمه نگردد. چرا که مربی در اثر قراردادی که با ورزشکار منعقد می‌کند به حفاظت از او مکلف شده و در صورت عدم رعایت تعهد، در واقع مرتکب نقض عهد شده است. به بیان دیگر، از نظر حقوقی مربیان در مورد حوادثی که از سوی ورزشکاران ناشی می‌شود، مسئول شناخته می‌شوند.

و مراقبت از دیگری را بر عهده داشته باشد هر گونه کوتاهی و سهل انگاری و تسامح آن‌ها را در مظان تقصیر قرار می‌دهد و مسئول عواقب آن خواهد شناخت.

از مهم‌ترین وظایف مربیان این است که قبل از شروع به تمرین؛ اسباب و لوازم ورزشی را با دقت و متناسب با کارکرد هر وسیله بازدید نمایند و از ایمنی آن‌ها اطمینان حاصل نمایند و اگر خلاف این امر که وسیله سالم و مناسب برای مسابقه است برای وی محرز گردد، باید از استفاده از آن وسیله امتناع نماید. در غیر این صورت، طبق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مسئول خواهد بود.

مربیان باید طرق استفاده از لوازم ورزشی را به ورزشکاران خود بیاموزند و اگر در اثر سهل انگاری مربی در اجرای این وظیفه، به شخصی آسیبی وارد شود بدون شک مربی مسئول خواهد بود. در مورد آموزش نادرست و غلط نیز که به علت یک حرکت ورزشی یا استفاده از یک ابزار ورزشی موجب بروز حادثه گردیده و ورزشکار در انجام حرکات جز اجرای آموزش‌های مربی و دستورات او اقدام دیگری که مؤید بی احتیاطی یا مبین بی‌مبالاتی باشد نکرده و چون سبب این عمل به علت عدم صلاحیت کافی مربی می‌باشد؛ آموزش دهنده مسئول جبران خسارت است (چلبی، ۱۳۸۶: ۴۰).

ناگفته نماند که ابزار و لوازمی که مربی مکلف به بازدید و اطمینان از صحت آن‌ها گردیده، ابزاری است که مورد استفاده عمومی ورزشکاران است، مثل توپ، نه ابزار و لوازم مخصوص هر بازیکن مثل راکت و کفش و ...

به طور کلی، باید در مسئولیت قائل شدن مربیان و داوران تفکیک قائل شد. بدین حالت که اگر تعمد و سوء نیت آن‌ها در استفاده از وسیله دارای نقص احراز گردید به طور قطع باید آن‌ها را مسئول دانست، در غیر این صورت، ممکن است حسب مورد، مسئولیت متوجه دیگران از جمله شرکت سازنده وسیله گردد!

مبانی مسئولیت مدنی

در فرهنگ لغت، مسئولیت به معنای «پرسیده شده» و «خواسته شده» آمده است و اغلب به مفهوم تکلیف و وظیفه و آنچه انسان عهده‌دار انجام آن باشد تعریف شده است (عمید، «مسئولیت») و در جای دیگر مسئولیت به معنی موظف بودن به انجام امری است (معین، «مسئولیت»). از نظر حقوقی، مسئولیت، التزام شخص به ۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: آقای نی. حقوق ورزشی، ورزش و مسئولیت‌های قانونی آن. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت.

تقصیری که می‌توان به مربی نسبت داد نقص مراقبتی است که دادگاه این نقص را با توجه به مجاز بودن نوع فعالیت مربی و امکانی که وی در ممانعت از وقوع خسارت داشته است در مرحله نهایی می‌سنجد. مثلاً اگر مربی بگذارد که تمرین مشت زنی به نزاعی تبدیل شود، مقصر است ولی آشنا کردن شاگردان با قواعد عمل مشت زنی تقصیر است. بدیهی است که مسئولیت مربی فقط نسبت به تقصیر یا خطایی است که شاگردان هنگامی که برای فعالیت‌های مربوط به کلاس به مربی سپرده شده‌اند مرتکب می‌شوند (حسینی نژاد، ۱۳۷۰: ۴۱).

مسئولیت عرفی هم برای مربی می‌توان تصور کرد، مثال بارز آن هم بند ۲ ماده واحده قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی می‌باشد که اشخاصی را به موجب عرف یا قرارداد موظف به کمک به آسیب دیدگان کرده است، این اشخاص شامل کلیه مربیان یا سرپرستانی می‌شود که در سازمان‌های غیر دولتی و یا به صورت غیر رسمی به کار مشغول هستند. در واقع، هر چند در متن قرارداد این وظیفه بر عهده آن‌ها قرار نگرفته باشد، اما عرفاً این وظیفه بر عهده آن‌هاست. بنابراین، می‌توان گفت که حقوق، خارج از توان و مقدرات مربیان برای آن‌ها مسئولیت قائل نمی‌شود و تنها رعایت قانون و انجام اقدامات متعارف در جهت حفظ و اطمینان از سلامت ورزشکاران را از آن‌ها می‌خواهد.

برخی بر این باورند که مربیان به هیچ وجه، بیمه‌گر یا ضامن ایمنی شاگردان خود نیستند. بعضی از صدمات به ویژه در ورزش‌هایی که متضمن درگیری است اجتناب ناپذیر می‌باشد و به همین دلیل جبران خسارت آن‌ها با اقامه دعوا میسر نیست (جامپون، ۱۳۷۶: ۸۱).

ایرادات وارد بر ابزار و لوازم ورزشی

از مهم‌ترین وجوه مسئولیت قائل شدن برای مدیران ورزشی، تکالیف و وظایف آن‌ها در مورد ایمنی اسباب و لوازم ورزشی است. مثلاً اگر بازیکنی بر روی تردمیل در حال حرکت باشد و بر اثر نقص این وسیله، آسیبی به ورزشکار وارد شود مسئولیت نهایی بر عهده چه کسی است؟ یا اینکه بازیکن هنگام پرش از میله ورزش ژیمناستیک به علت سست بودن میله آسیب ببیند که مصادیق و نمونه‌های این گونه آسیب‌ها بسیار رایج است، در این مواقع چه کسی را باید مسئول دانست؟ به طور کلی باید گفت: مربیان وظیفه نظارت و مراقبت ورزشکاران را بر عهده دارند و طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، اگر اشخاصی وظیفه نظارت

مبانی حقوقی مسئولیت مدنی ورزشکار صدمه زننده

مسئولیت مدنی، اصولاً ناشی از بی‌مبالاتی اشخاص است، ولی گاه به منظور جبران ضرر نامشروع و یا خطری که برای دیگری ایجاد شده نیز به وجود می‌آید (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۴۱). مسئولیت مدنی شامل تمام کسانی می‌شود که در رابطه با فعالیت‌های ورزشی به طور مستقیم یا غیر مستقیم وظایفی بر عهده دارند و در صورت بروز حادثه، حسب مورد ممکن است مسئول شناخته شوند (شکری، ۱۳۸۷: ۳۷). بنابراین، اگر بر اثر اصابت غیر عمدی توپ به پنجره منزل مجاور ورزشگاه خسارتی وارد شود، ورزشکار متخلف ضامن خسارت وارده محسوب و ملزم به جبران آن است که در این حالت می‌گوییم ورزشکار مزبور مسئولیت مدنی دارد (آقای‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۷).

ماده یک قانون مسئولیت مدنی چنین مقرر داشته: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان، سلامتی، مال یا آزادی، حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد» (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۷۱). بر طبق این ماده، باید پذیرفت که مسئولیت مدنی ملازمه با ورود ضرر به غیر دارد. بدین معنی که تا ضرر محقق نشده، نمی‌توان اشخاص را مسئول شناخت. هر جا که نقص در اموال ایجاد شود یا منفعتی مسلم از بین برود و یا به عرض و سلامتی و عواطف اشخاص لطمه‌ای وارد شود می‌گویند ضرری به بار آمده است (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۴۴).

در واقع، هدف از قواعد مسئولیت مدنی جبران ضرر است. به گفته برخی نویسندگان از نظر فنی، مسئولیت با دین مربوط به جبران خسارت بیان می‌شود (فلور و اوپر، ۱۹۹۴: ۶۱). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت هرگاه حادثه‌ای بر اثر حرکات خطای ورزشکار باشد، مسئول جبران خسارت خود می‌باشد. به طور معمول، فرض بر این است که بازیکنان و ورزشکارانی که به خواست و اراده خود به بازی می‌پردازند خطرهای عادی، آشکار و قابل پیش‌بینی مربوط به مسابقه را قبول می‌کنند و در این خصوص، رضایت زیان دیده و به نوعی توافق ضمنی در مورد پذیرش خطر و انتفای مسئولیت، قابل اثبات است، لکن در مورد خطرهای نامتعارف و غیر قابل پیش‌بینی، چنین رابطه‌ای برقرار نخواهد بود.

بنابراین، شرکت اختیاری در بازی‌های ورزشی، حتی رشته‌های خشن که متضمن حوادث و درگیری‌های بدنی است،

پاسخگویی اعمال و رفتار زیان‌بارش در قبال مردم تعریف شده است (ولیدی، ۱۳۷۴: ۲۳). مسئول کسی است که تعهدی در قبال دیگری به عهده دارد که اگر از ادای آن سرباز زند از او بازخواست می‌شود. بنابراین، مسئولیت همواره با التزام همراه است (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۴۶). به هر حال، فعالیت‌های ورزشی همواره با آسیب‌ها و خطراتی همراه بوده است و به خاطر همین مسأله عملیات متنوع در فعالیت‌های ورزشی تأثیر فراوانی در مسئولیت ورزشکاران دارد که این مسئولیت به دو شاخه مدنی و جزایی تقسیم می‌شود که از حیث موضوع، مفهوم و ضمانت اجرا با یکدیگر متفاوت‌اند.

واژه مسئولیت در هر کجا که استعمال شود، رنگ اخلاقی دارد. مسئول هر آن کسی است که خطایی مرتکب شده و باید مجازات شود و مکافات گناهش را ببیند. بنابراین، هر گاه شخص یا اشخاصی ملزم به جبران خسارت دیگری باشند می‌گوییم که مسئولند و نوع مسئولیت آن‌ها نیز مدنی است. البته مسئولیت مدنی به معنای خاص، تنها مسئولیت غیر قراردادی را در بر می‌گیرد کاربرد این مسئولیت، بیشتر در حقوق سوئیس رایج است، پاره‌ای از نویسندگان فرانسوی نیز مسئولیت مدنی را در این مفهوم به کار برده‌اند (بادینی، ۱۳۸۴: ۳۳). در حقوق کامن‌لا، این معنا معادل حقوق خطاهاست، بیشتر حقوقدانان ما نیز مفهوم خاص مسئولیت مدنی را مد نظر قرار گرفته‌اند (امیری قائم مقامی، ۱۳۷۸: ۱۶۲-۱۵۷). در مورد مسئولیت مدنی در فعالیت‌های ورزشی، باید گفت بعد از تصویب قانون مسئولیت مدنی در سال ۱۳۳۹ و با پدید آمدن نص صریح قانونی در باب مسئولیت مدنی امیدی تازه ایجاد شد که قضات محاکم دادگستری بتوانند در حوادث مختلف ورزشی با استناد به قوانین و مقررات مسئولیت مدنی تا حدودی در مراجعه آسیب دیدگان تصمیماتی هر چند کم و محدود اتخاذ نمایند. از سال‌های قبل از ۱۳۵۰ به بعد که ورزش به صورت یک موضوع مورد توجه قرار گرفت. با مراجعات مصدومین ورزشی به دادگاه‌ها کاملاً ایجاب می‌کرد که بین حوادث ورزشی و صدمات ناشی از این حوادث و سایر حوادث غیر ورزشی باید تفاوت قائل شد و نمی‌توان ورزشکاران رقیب را در حوادث ورزشی مسئول اتفاقاتی دانست که ندانسته حادث شده، پس باید قوانین خاصی در فعالیت‌های ورزشی اعمال و اجرا نمود (چلبی، ۱۳۸۶: ۱۶). در مورد مسئولیت مدنی برای ورزشکار صدمه زننده و یا عدم این مسئولیت نظراتی متفاوت ارائه شده که در این نوشتار، بر آنیم ضمن بررسی مبانی حقوقی عدم مسئولیت مدنی ورزشکاران، به بررسی جنبه‌های فقهی این موضوع نیز پردازیم:

مبانی حقوقی عدم مسئولیت کیفری ورزشکار صدمه زنده

اساسی‌ترین عامل برای عدم مجازات ورزشکاری که در حین بازی، به دیگری آسیبی وارد کرده است رعایت قانون از جانب او می‌باشد. در واقع قانون‌گذار با تصویب قوانین راجع به جرم نبودن اعمال ورزشی، یک مصونیت قضایی به ورزشکاران اعطا کرده و این امتیاز کوچکی نیست، با دقت در این مفاهیم سؤالاتی قابل طرح است: مهم‌ترین سؤالی که ممکن است برای هر شخصی ایجاد شود، این است که دلیل جرم نبودن فعالیت‌های ورزشی چیست؟ از میان تمام فعالیت‌های روزمره چرا قانون‌گذار به ورزش توجه نشان داده و فعالیت‌های ناشی از آن را به شرط رعایت مقررات جرم ندانسته و در غیر این صورت فرد خاطی را مجازات خواهد کرد؟ در واقع، ورزش چه اولویتی بر دیگر فعالیت‌ها می‌تواند دارا باشد؟ آیا قانون‌گذار با تصویب این ماده، به ورزشکاران اجازه ارتکاب جنایت را تحت لوای ورزش داده است؟ و سؤالات دیگری که با توجه به هدف ورزش می‌توان برای آن‌ها پاسخ مناسب یافت. باید پذیرفت که حوادث ناشی از اعمال ورزشی را نمی‌توان جرم محسوب کرد؛ زیرا هدف اساسی و اصلی عملیات ورزشی پرداختن به امر ورزش به منظور تقویت جسم و روح افراد کشور است، نه اعمال مجرمانه و غیر قانونی (چلبی، ۱۳۸۶: ۲۹) و از طرفی منافع حاصل از ورزش آن چنان برای جامعه محسوس و پر ارزش می‌باشد که می‌توان صدمات ناشی از عملیات ورزشی را که در نتیجه رعایت مقررات بروز پیدا می‌کند نادیده گرفت. برای عدم مسئولیت کیفری ورزشکاران چند نظریه مطرح شده که عبارتند از:

نظریه مبتنی بر عدم قصد مجرمانه

ملاک تشخیص عنصر روانی در جرایم عمدی، قصد مجرمانه می‌باشد که در قانون تعریفی از آن نشده است، و با عبارات گوناگون قصد مجرمانه بیان شده است، از جمله این که قصد مجرمانه را معمولاً به اراده متمایل به یک هدف مشخص تعریف کرده‌اند. به عبارت دیگر، اراده هدایت شده به سوی هدف معین را قصد می‌گویند. در حقوق جزا، قصد مجرمانه را می‌توان خواستن قطعی و منجز به انجام فعل یا ترک فعلی دانست که قانون آن را نهی کرده است که البته قصد مجرمانه برای ارتکاب فعل یا ترک فعل باید تظاهرات عینی خارجی پیدا کند تا بتوان فاعل عمل مجرمانه را طبق قوانین جزایی تحت تعقیب قرار داد و مجازات کرد (نوربها، ۱۳۸۸: ۱۷۶-۱۷۵). عده‌ای تلاش کرده‌اند تا حوادث ناشی از فعالیت‌های ورزشی را به لحاظ فقدان قصد

به معنای رضایت ضمنی به خطرهای عادی آن است. لکن رضایت به درگیری‌های ممنوع و آسیب‌های نامتعارف را در بر ندارد؛ زیرا این خطرها غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل پذیرش و توافق است (والتر. تی جامپیون جونیور، ۱۳۸۶: ۲۲۱).

مبانی مسئولیت کیفری

مبانی حقوقی مسئولیت کیفری ورزشکار صدمه زنده

از نظر حقوق جزا، کسی مسئول است که به تعهد یا قرارداد قانونی که به عهده او گمارده شده عمل نکرده و یا از حدود مقرر تجاوز نموده باشد و در واقع مرتکب تقصیر شده و تقصیر او موجب ایجاد مسئولیت جزایی او گردد. بنابراین، مسئولیت جزایی عبارت است از الزام یا تکلیف به تحمل مجازات. به بیان دیگر، مسئولیت جزایی نتیجه ارتکاب جرم است (آقایی‌نیا، ۱۳۶۹: ۲۵). هدف از شناخت مبانی مسئولیت جزایی ورزشکاران، تحمیل مجازات بر فرد خاطی است. مسئولیت وقتی تحقق می‌یابد که شخص مرتکب عملی شود که قوانین به صراحت آن را منع کرده است. به عبارت کلی، الزام شخص به پاسخگویی در قبال تعرض دیگران به هر صورتی که باشد تحت عنوان مسئولیت جزایی مطرح می‌شود (شکری، ۱۳۸۷: ۴۰). در یک جمع‌بندی کلی می‌توان مسئولیت جزایی را چنین تعریف کرد: «مسئولیت جزایی، عبارت است از انتساب فعل یا ترک مجرمانه به شخص یا اشخاصی که با انجام بزه به قوانین جزایی خواه به عنوان مباشرین و خواه به عنوان شرکا و معاونین به عمد یا به خطا تجاوز کرده‌اند و توان تحمل بار مجازات و یا احتمالاً اقدامات تأمینی و تربیتی را در قبال فعل یا ترک فعل خود دارند» (نوربها، ۱۳۸۸: ۱۸۷).

از نظر حقوق جزا، برای تحقق جرم قصد مجرمانه و یا تقصیر جزایی از ناحیه مرتکب برای اثبات مسئولیت کیفری در تمامی جرایم ضروری است، اعم از اینکه جرم عمدی یا شبه عمد باشد. در واقع، برای اینکه یک عمل قابل مجازات باشد، سه شرط یا عنصر ضروری است: عنصر قانونی، مادی و روانی. عنصر مادی، یعنی تحقق جرم موکول به بروز عوارض بیرونی اراده ارتکاب جرم می‌باشد و تا وقتی مظهر خارجی اراده به صورت‌هایی، مانند فعل یا ترک فعل تحقق نیابد جرم واقع نمی‌شود (گلدوزیان، ۱۳۸۸: ۱۵۳).

مجرمانه غیر قابل مجازات بدانند (علی‌آبادی، ۱۳۳۷: ۲۵۱).

البته تحقق قصد مجرمانه به عنوان یک کیفیت و پدیده روانی، مانند هر رفتار دیگری مسبوق به وجود مقدماتی است؛ زیرا وقتی توجه آگاهانه یا تمایل شخص به هدفی معین، مانند ارتکاب پدیده مجرمانه معطوف می‌شود به طور طبیعی یک سلسله فعل و انفعال و ارزیابی‌هایی در ذهن شخص پیرامون نحوه دسترسی به آن هدف صورت می‌گیرد (ولیدی، ۱۳۷۸: ۲۵۹). می‌توان بدین صورت مطرح نمود که قصد مجرمانه مهم‌ترین عامل در تلقی یک عمل به عنوان رفتار عمدی است و در نتیجه دارای مجازات خواهد بود. مهم‌ترین عاملی که برای ورزشکاران و بازیکنان ورزشی موجب عدم مسئولیت کیفری می‌شود عدم وجود قصد مجرمانه است؛ چرا که ورزشکاری که در جریان بازی ورزشی و یا مسابقات قهرمانی ضربه‌ای به دیگری وارد می‌کند و در اثر آن ضربه، جراحاتی به ورزشکار رقیب وارد می‌شود ممکن است عدم وجود قصد ورزشکار صدمه زنده در ایجاد این آسیب، موجب برائت وی از مجازات شود، ولی مسئولیت جبران خسارت همچنان بر عهده وی خواهد بود. البته نباید نادیده گذاشت که اگر چه ورزشکار به ورود ضرر رضایت داده است، ولی این ضربات باید بدون قصد مجرمانه صورت بگیرد تا موجب مسئولیت برای ورزشکار صدمه زنده نباشد، در غیر این صورت، وی مسئول نتایج زیان‌بار عمل خود خواهد بود.

نظریه مبتنی بر رضایت زیان دیده

رضایت در لغت به معنی خشنودی، اجازه و رخصت آمده است (معین. «رضایت») و رضایت مجنی‌علیه، یعنی تمایل قلبی و موافقت مجنی‌علیه به اینکه تعرضی بر خلاف قانون علیه آزادی‌های او انجام بگیرد. سؤال اساسی این است که اگر مجنی‌علیه با طیب نفس، به وقوع جرم علیه خود تن در دهد و همه آثار آن را بپذیرد، آیا تقصیر مرتکب که مآذون به این عمل بوده است مرتفع می‌شود یا نه؟ (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۲۷۲).

در پاسخ باید گفت: رضایت زیان دیده و قبول خطر از سوی او، عامل مهمی است که نظام حقوقی اقدامی را که بی‌گمان خطرهای جدی به همراه دارد مباح شناسد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۳۹۵). البته در خصوص رضایت دو نظر ارائه شده است: برخی معتقدند در صورتی که ورزش با رضایت طرفین انجام شود و در اثنای آن، صدمات و جراحاتی به طرفین وارد آید و یا حتی منجر به فوت یکی از مسابقه دهندگان شود، طرف دیگر فاقد مسئولیت جزایی خواهد بود و این امر البته مشروط به آن است که قصد ایراد ضرب و جرح و یا قتل وجود نداشته باشد

(صانعی، ۱۳۷۱: ۲۴۰) و باید توجه داشت که در حقوق ایران، رضایت شخص بر اینکه دیگری بر او صدمه وارد آورد عمل مرتکب را از جنبه جرم بودن ساقط نمی‌کند و در این بحث، تکیه بر رضایت ورزشکار به مصدوم شدن خود نیست، بلکه تأکید بر رضایت او به انجام عملیات ورزشی است و خود او نیز از همین امتیاز در مقابل حریف برخوردار است (آقایی‌نیا، ۱۳۶۹: ۴۴) و نظر دوم اینکه گفته شده است: اصولاً رضایت مجنی‌علیه، تأثیری در ماهیت جرم ندارد (اردبیلی، ۱۳۸۸: ۱۹۴). استدلالی که برای این نظریه ارائه شده است، این است که قانون جزا از قوانین آمره محسوب می‌شود و مربوط به نظم عمومی است و اراده مجنی‌علیه، قادر نیست خللی در اجرای آن پدید آورد. بنابراین، رضایت مجنی‌علیه به ارتکاب رفتاری که به حیات، سلامت و تمامیت جسمانی او آسیب می‌زند، مانند: قتل، ضرب و جرح بی‌اثر است (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۲۷۳).

قانون فرانسه از نظر دوم تبعیت کرده و اصل عدم تأثیر رضایت مجنی‌علیه را در جهت حفظ منافع ملی تأیید کرده است و موارد آن مربوط به نقض ارادی اعضای بدن است، تا مجنی‌علیه بدین وسیله موجبات معافیت خود را از نظام وظیفه فراهم سازد (علی‌آبادی، ۱۳۳۷). در این خصوص، باید گفت: علیرغم رضایت قربانی جرم، عمل مخالف نظم اجتماعی باقی می‌ماند یعنی جرم محقق می‌شود و فرد باید مجازات شود، حتی اگر قربانی شکایت نکرده و درخواست جبران ضرر و زیان نکند. بنابراین، دکتین و رویه قضائی و تهیه کنندگان قانون مجازات در مورد تلقی رضایت زیان دیده به عنوان عامل توجیه کننده جرم هم عقیده هستند، بنا بر قاعده کلی رضایت زیان دیده از جرم، جرم را توجیه نمی‌کند. با وجود این، در موارد استثنائی بنا به دلایل دیگر رضایت، جرم را زائل کرده و موجب عدم مجازات می‌شود (استفانی، ۱۳۷۵: ۵۱).

نظریه مبتنی بر اجازه قانون، عرف و عادت

عرف، در لغت به معنای معرفت است و در اصطلاح حقوقی عادت تمام یا اکثر افراد یک قوم در گفتار یا رفتار معین. حقوق عرفی، به مجموعه عرف‌ها و آداب همزمان در یک مقطع زمانی می‌گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۵۵-۵۰). مهم‌ترین عناصر قواعد عرفی دوام، تکرار و الزامی بودن اجرای آن‌هاست و عرف روشی است مستمر در گفتار یا رفتار (صادقی، ۱۳۸۷: ۲۱). هر چند قوانین ورزشی، همیشه به عنوان راهنما مورد استفاده قرار می‌گیرند، اما الزامی برای دادگاه‌ها ایجاد نمی‌کند و آنچه در عرف بازی مشروع است همیشه در دید حقوق مباح نیست (کاتوزیان،

که فعل یا ترک فعلی را جرم می‌سازد؛ می‌زاید. این اوضاع و احوال اسباب اباحه یا جهات موجهه جرم نام دارد (اردبیلی، ۱۳۸۸: ۷۳). برای مثال، مأموری که به حکم قانون و به دستور آمر قانونی، محکوم علیه را اعدام می‌کند. یا مدافعی که با رعایت شرایط قانونی، مهاجم را از پای در می‌آورد^۲ از لحاظ مادی و ظاهری همان کاری را انجام می‌دهند که یک قاتل انجام داده، ولی قانون‌گذار نه تنها آن‌ها را سرزنش و مجازات نمی‌کند، بلکه به خاطر اجرای یک حکم قانونی یا مقاومت در برابر حمله‌ای غیر قانونی، که نقشی بازدارنده از ارتکاب جرم دارد، می‌ستاید. در واقع، می‌توان گفت عوامل موجهه، عواملی است که موجب تبدیل عمل مرتکب از یک عمل بد و ناپسند به یک عمل خوب و پسندیده می‌شود (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۹: ۲۷۳). باید این نکته را بیان کرد که عوامل موجهه جرم جنبه موضوعی و عینی دارند، بدین معنا که به علت زائل شدن عنصر قانونی جرم، نفس جرم و مجرمیت را به کلی چه از نظر مرتکب و چه از لحاظ معاونین جرم منتفی می‌سازد (همان).

حقوقدانان، عوامل موجهه جرم را به دو دسته عمومی و خصوصی تقسیم می‌کنند و عوامل موجهه جرم را که مستند به قواعد عمومی حقوق جزایی می‌باشد دارای مصادیقی می‌دانند که یکی از آن‌ها رضایت مجنی علیه در حوادث ناشی از فعالیت‌های ورزشی است. در واقع، نفع اجتماعی ایجاب می‌کند که صدمات استثنائی ناشی از عملیات ورزشی وقتی ضمن رعایت موازین و مقررات ورزشی حادث شود، از شمول مقررات جزایی خارج باشد، همچنین رضایت طرفین هم می‌تواند صدمات و جراحات وارده ضمن انجام عملیات ورزشی را توجیه کند و موجب زائل شدن وصف قانونی شود (گلدوزیان، ۱۳۸۸: ۲۳۵).

قانون‌گذار در ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اعمالی را که جرم محسوب نمی‌شوند متذکر شده و در بند پنجم قانون مزبور عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن را مشروط بر اینکه سبب حوادث نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم با موازین شرع مخالفت نداشته باشند جرم نمی‌داند. بنابراین، طبق این ماده، می‌توان گفت حوادث ناشی از عملیات ورزشی با احراز چند شرط جزء عوامل موجهه جرم محسوب می‌شوند و در نتیجه قابل مجازات نیستند: ۱- مقررات مربوط به آن ورزش رعایت شده باشد. در واقع مقررات مربوط به هر ورزش، قانون آن ورزش محسوب می‌شود و هدف از وضع آن، عموماً کاستن از میزان خطرها و محدود کردن حرکات ورزشی

۱۳۸۷: ۴۱۱). البته باید به این نکته توجه کرد که در عرف بازی‌های ورزشی، خطاهای قابل اغماض بسیار فراوان است و از میان این خطاها باید تنها به خطاهای بزرگ توجه کرد و خطاهای کوچک را نادیده گرفت. بسیاری از حقوقدانان جدای از عرف، اجازه قانون را هم عاملی مهم در عدم مسئولیت ورزشکاران به شمار می‌آورند و بهترین توجیه را برای عدم مجازات مشت زن و کلیه اشخاصی که در اثنا عملیات ورزشی مرتکب جرح می‌شوند را اجازه قانون می‌دانند. بعضی از مصنفین فرانسه اجازه قانون را مبتنی بر مواد قانون مدنی کرده‌اند. بنابراین، باید گفت کیفیت تبرئه کننده در تمرینات ورزشی استوار بر اجازه قانون است نه رضایت مجنی علیه. بعضی معتقدند ارجح آن است که آن را بر سنت و عادت اغماض که همیشه در امور ورزشی مورد قبول است مبتنی نمایند (علی‌آبادی: ۲۵۴).

می‌توان این گونه نتیجه گرفت که اجازه قانون، عرف و عادت در کنار رضایت مجنی علیه یا فرد ورزشکار آسیب دیده در فعالیت‌های ورزشی، از جمله عوامل عدم مسئولیت برای فرد آسیب زنده می‌باشد و اگر قوانین و عرف و عادت هم اجازه چنین ورزش‌هایی را داده و حتی تشویق هم می‌کند، به علت حفظ دفاع ملی است که آن‌ها را مشروع شناخته است (شامبیاتی، ۱۳۷۱: ۳۴۲) نه آسیب زدن به ورزشکاران حین انجام فعالیت‌های ورزشی. در واقع، موازین شرعی به کسی اجازه نمی‌دهد که با حيله و سوء استفاده از اجرای قواعد ورزشی به دیگری آسیب نامتعارف بزند و در حقوق عمومی هم دولت عهده‌دار این است که ورزش‌های خطرناک را در کشور ممنوع کند و دادگاه‌ها هم موظف به اجرای قواعد ملی و حفظ نظم عمومی هستند (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۴۱۲).

آیا حوادث ناشی از فعالیت‌های ورزشی جزء عوامل موجهه جرم شناخته می‌شود؟

عوامل موجهه جرم^۱ اوضاع و احوالی خاص هستند که موجب زایل شدن وصف قانونی یک فعل ارادی ضد اجتماعی می‌گردند. به نحوی که با وجود آن اوضاع و احوال فعل مزبور در جهت اعمال یک حق، یا انجام یک تکلیف تلقی می‌شود و فقدان آن اوضاع و احوال موجب احراز و تحقق جرم می‌گردد (گلدوزیان، ۱۳۸۸: ۱۰۷). به عبارت دیگر، گاه قانون‌گذار در اوضاع و احوالی خاص که خودش دقیقاً آن را مشخص می‌کند ارتکاب افعالی که در وضع عادی جرم است؛ جرم نمی‌شناسد. یعنی آن وضعی

۲. ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰.

۳. ماده ۶۱ و ۶۲۵ تا ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰.

1. Justifying conditions.

منابع

- ابراهیم، مصطفی و دیگران. (۱۹۸۹ م.). المعجم الوسيط. استانبول: دارالعودة.
- ابن سینا. قانون در طب. ترجمه عبدالرحمن شرفکندی. جلد اول. اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۸). حقوق جزای عمومی. جلد اول. چاپ بیست و دوم. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی. جلد دوم. چاپ سی ام. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- استفانی، گاستون؛ لوسور، ژرژ؛ بولوک، برنار. (۱۳۷۵). حقوق جزای عمومی. ترجمه دکتر حسن دادبان. جلد اول و دوم. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- امیری قائم مقامی، عبدالمجید. (۱۳۷۸). کلیات تعهدات - وقایع حقوقی. چاپ اول. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- امینی، علیرضا؛ آیتی، سیدمحمد رضا. (۱۳۸۹). تحریر الروضة فی شرح اللمعة. جلد دوم. چاپ چهاردهم. تهران: انتشارات سمت.
- آقای نی، حسین. (۱۳۸۱). حقوق ورزشی. چاپ پنجم. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- (۱۳۶۹). حقوق ورزشی، ورزش و مسئولیت‌های قانونی آن. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت معلم.
- (۱۳۷۲). حقوق ورزشی، ورزش و مسئولیت‌های قانونی آن. چاپ اول. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- (۱۳۸۵). «حقوق ورزش گفتگو با دکتر حسین آقای نی». ماهنامه دادرسی. سال دهم. شماره ۵۷. مرداد و شهریور.
- الزیبیدی، مرتضی. (۱۴۱۴ ه.ق.). تاج العروس. جلد دوم. بیروت: دارالفکر.
- الکاسانی، محمد بن سعود. (۱۴۱۷ ه.ق.). بدائع الصنایع فی ترتیب الشرایع. جلد پنجم. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- المحقق الحلّی، جعفر بن الحسن. (۱۳۸۹). شرایع الاسلام. جلد دوم. چاپ اول. نجف: مطبوعه الآداب.
- بادینی، حسن. (۱۳۸۴). فلسفه مسئولیت مدنی. چاپ اول. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بهجت، محمد تقی. (۱۳۸۶). استفتانات. جلد چهارم. چاپ اول. قم: انتشارات شفق.
- جاوید، سیروس. (۱۳۷۰). زمینه‌ی ورزش شناسی. تهران: انتشارات پیروز.
- جبران مسعود. (۱۳۷۶). الرائد. ترجمه رضا ترابی نژاد. جلد اول. چاپ دوم. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- جامپسون، جونیسور؛ والتر، تی. (۱۳۷۶). مبانی حقوق ورزش‌ها، مسئولیت مدنی در ورزش. ترجمه دکتر حسین آقای نی. تهران: نشر

در مرز ضرورت‌هاست (اردبیلی، ۱۳۸۸: ۱۹۶). ۲- حرکات انجام شده از حرکات ورزشی باشد. ۳- اعمالی که منجر به حادثه شده در حین ورزش باشد. ۴- مقررات آن ورزش با موازین شرع، مغایر نباشد (گلدوزیان، ۱۳۸۸: ۱۳۶). البته باید پذیرفت که تدوین کنندگان قانون مجازات اسلامی، تعریف یا مصادیق موازین شرعی را مشخص نکرده‌اند. بنابراین، به حکم ضرورت قاضی و دادگاه کیفری بایستی چهارچوب موازین شرعی محدود کننده مقررات حاکم بر عملیات و مسابقات ورزشی را بشناسند تا در برخورد با این قبیل حوادث، بتوانند عملیات مشروع و منطبق با موازین شرعی را تشخیص بدهند و حکم مقتضی صادر کنند (ولیدی، ۱۳۷۸: ۲۲۶). بنابراین، نقض مقررات مربوط به هر رشته ورزشی به رسمیت شناخته شده قانونی و مشروع بر حسب ضوابط عمومی قتل، ضرب و جرح ممکن است عمدی و یا شبه عمدی و یا خطایی باشد که عکس‌العمل قانونی مربوط قصاص یا پرداخت دیه خواهد بود (گلدوزیان، ۱۳۸۸: ۱۳۹-۱۳۸). نتیجه اینکه چنانچه ورزشی به هر دلیلی با موازین شرع مخالف تشخیص داده شود، حوادث ناشی از انجام آن حتی علیرغم رعایت مقررات، جرم خواهد بود و مرجع تشخیص این مخالفت هم قوه قضائیه می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس قواعد کلی بیان شده، نتایج ذیل قابل بیان است: در ورزش‌هایی که احتمال ورود صدمه و آسیب وجود دارد، ورزشکار صدمه زنده مسئول جبران خسارت خواهد بود. اگر ورزشکاری با علم و اطلاع کامل از قوانین ورزشی به انجام آن بپردازد، در صورت آسیب دیدن وی، کسی مسئول جبران خسارت وی نخواهد بود؛ چرا که علم و اطلاع وی از قوانین آن ورزش در حکم رضایت وی بر انجام بازی بوده است. قانون مجازات اسلامی، فعالیت‌های ورزشی را تحت عنوان علل موجهه قرار داده است. یعنی در برخی مواقع وصف مجرمانه را از فرد ورزشکار سلب نموده است. بازیکنان مسئول خسارات وارده بر تماشاگران نیستند؛ چرا که نمی‌توان هیچ رابطه‌ای میان بازیکنان و تماشاگران یافت تا بتوان بازیکنان را مسئول دانست. ورزشکار در صورتی مسئول حوادث ناشی از فعالیت‌های ورزشی نخواهد بود که در انجام این صدمات، عامد و قاصد نبوده باشد.

- دادگستر با همکاری کمیته ملی المپیک.
 جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۴). مقدمه‌ی عمومی علم حقوق. چاپ دهم. تهران: انتشارات گنج دانش.
 چلبی، البرز. (۱۳۸۶). دیباچه‌ای بر حقوق ورزشی. قواعد عمومی حقوق جزا، آیین نامه بین‌المللی دوپینگ. چاپ دوم. تهران: انتشارات بامداد کتاب.
 حسینی‌نژاد، حسینعلی. (۱۳۷۰). مسئولیت مدنی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی.
 موسوی الخمینی، سیدروح‌الله. (۱۳۵۹). صحیفه نور. جلد نهم. ساریخانی، عادل. «حقوق و تکالیف ورزشی». مجله بصیرت. سال دهم. شماره ۳۱-۳۰.
 شامبیاتی، هوشنگ. (۱۳۷۱). حقوق جزای عمومی. جلد اول. تهران: انتشارات پازنگ.
 شکر، نادر. (۱۳۸۷). حقوق ورزشی، بررسی نظم حاکم بر حقوق ورزشی ایران. چاپ اول. تهران: انتشارات نقش گستران بهار.
 صادقی، میرمحمدهادی. (۱۳۸۷). جرایم علیه اشخاص (صدمات جسمانی). چاپ شانزدهم. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
 صانعی، پرویز. (۱۳۷۱). حقوق جزای عمومی. جلد اول. چاپ چهارم. تهران: انتشارات گنج دانش.
 قانون مجازات اسلامی. (۱۳۹۲). چاپ دوم. تهران: انتشارات معاونت حقوقی ریاست جمهوری.
 قزوینی، سیدعلی؛ مقدادی، محمد مهدی. (۱۳۹۰). مبانی فقهی و حقوقی عدم مسئولیت مدنی ورزشکاران در عملیات ورزشی. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
 قنبری نیکی، عباس. (۱۳۶۷). تربیت بدنی از دیدگاه اندیشمندان اسلامی. چاپ اول. کمیته انتشارات ستاد تدوین نظام نوین تربیت بدنی. عرفه الدسوتی، محمد. (بی‌تا). حاشیه الدسوتی علی الشرح الکبیر. جلد دوم. بیروت: دارالفکر.
 علی‌آبادی، عبدالحسین. حقوق جنایی. جلد اول. چاپ چهارم. تهران: انتشارات فردوسی.
 (۱۳۳۷). حقوق جنایی و قوانین جزای تطبیقی. جلد اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 عمید، حسن. (۱۳۵۵). فرهنگ عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر.
 کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷). الزام‌های خارج از قرارداد. جلد اول و دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 (۱۳۹۰). قانون مدنی در نظم حقوق کنونی. چاپ بیست و نهم. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- کی‌نیا، مهدی. (۱۳۵۷). مبانی جرم‌شناسی. جلد اول و دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 گرجی، ابوالقاسم. (۱۳۵۵). «کنفرانس اجرای حقوق کیفر اسلامی و اثر آن در مبارزه با جرایم». نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی. شماره ۲. گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۷). محشای قانون مجازات اسلامی. چاپ سوم. تهران: انتشارات مجد.
 (۱۳۸۸). بایسته‌های حقوق جزای عمومی. جلد اول، دوم و سوم. چاپ هجدهم. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
 (۱۳۸۸). حقوق جزای عمومی ایران. جلد اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 مبنای تربیت بدنی در اسلام. جلد دوم. تهران: انتشارات اداره کل تربیت بدنی آموزش و پرورش.
 محسنی، مرتضی. (۱۳۷۵). دوره حقوق جزای عمومی، پدیده‌ی جنایی. جلد دوم. چاپ اول. تهران: انتشارات گنج دانش.
 معین، محمد. (۱۳۶۲). فرهنگ فارسی. ۶ جلدی. چاپ پنجم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
 مکرّم، محمدبن (ابن منظور) المصری. (۱۹۹۷م). لسان العرب. جلد اول. چاپ اول. بیروت: دار صادر.
 منصور، جهانگیر. (۱۳۸۷). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. چاپ شصت و یکم. انتشارات نیل.
 میرسلیم، سیدمصطفی. (۱۳۷۵). دانشنامه جهان اسلام. جلد اول. چاپ دوم. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
 میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۸۹). حقوق کیفری اقتصادی، جرایم علیه اشخاص. چاپ پنجم. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
 نظریور، مهدی. (۱۳۸۹). آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. چاپ یازدهم. تهران: انتشارات دفتر نشر معارف.
 نیکوهمت، ا. (۱۳۲۵). «حقوق از نظر اسلام (تعریف حقوق)». نشریه آئین اسلام. شماره ۱۰. ۱۴ خرداد ۱۳۲۵.
 نوربها، رضا. (۱۳۸۸). زمینه حقوق جزای عمومی. چاپ بیست و هفتم. تهران: انتشارات دادآفرین.
 ولیدی، محمد صالح. (۱۳۷۴). حقوق جزای عمومی. جلد سوم. تهران: نشر داد.
 (۱۳۷۸). مختصر النافع، حقوق جزای عمومی. چاپ اول. تهران: نشر خط سوم.
- Terzian. (1987). "Tort Liability-Athletic Officials and Coaches-Volunteers". *Civil Immunity from Liability*.... 10 Seton Hall Leg. J. 332.